

مروری بر استانداردهای بین المللی حسابداری ابزارهای مشتقه و چالش های پیاده سازی آن

رویا عبادی نقرلو^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

چکیده

در طول چند دهه گذشته، استفاده از مشتقات مالی افزایش یافته است، در نتیجه حسابداری برای این ابزارهای مشتقه به میزان زیادی تکامل یافته است. مشتقات در بازارهای سرمایه نقش مهمی بازی می کند و مدیران از آن ها برای کاهش نتایج ریسک های نامطلوبی که شرکت هایشان با آن ها مواجه می شوند، مورد استفاده قرار می دهند. برای کمک به افشا و شفافیت بهتر، بعضی از کشورها استانداردهای حسابداری برای مشتقات ارائه داده اند. حسابداری ابزارهای مالی از طرف بنیاد IFRS نیز توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این هیات در اواسط سال ۲۰۰۵، IFRS7 را منتشر کرد و همه شرایط افشا ابزارهای مالی را بیان کرد. همچنین در پاسخ به بحران ۲۰۰۸، IASB هم استاندارد IAS39 را منتشر کرد؛ و در نهایت در سال ۲۰۱۴ نسخه نهایی IFRS9 منتشر شد. این سیر تکاملی استانداردهای حسابداری در مورد ابزارهای مشتقه نشان از اهمیت آن در خصوص شناسایی و اندازه گیری ابزارهای مشتقه دارد. لذا در این مطالعه با توجه به اهمیت پیاده سازی ابزارهای مشتقه در ایران پس از مروری بر تعاریف ابزارهای مشتقه طبق IFRS7, IFRS9 و IAS39 چالش های پیش رو با توجه به محیط گزارشگری ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

ابزاری مشتقه، IFRS9، IFRS7، IAS39، پیاده سازی

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Roya.ebady@gmail.com

مقدمه

به طور کلی مشتقات، قراردادهای مالی هستند که ارزش آنها مشتق از ارزش و قیمت دارایی پایه و زیر بنایی است. یک مشتق و یا محصول مشتقی یک قرارداد مالی است که ارزش آن از یک (یا بیستر از یک) دارایی زیربنایی نظیر اوراق قرضه، نرخ بهره، ارزش خارجی، کالاها، شاخصهای بازار و غیره گرفته شده است. تغییرات قیمت هریک از این مشتقات تابعی از قیمت دارایی پایه است (Chace, 2004).

ابزارهای مشتقه می توانند هم برای اهداف تجاری و هم مصون سازی مورد استفاده قرار بگیرند. زیانه‌ی عظیم اخیر حاصل از مشتقات، نگرانی‌ها در مورد استفاده و افشا مناسب ابزارهای مالی و به خصوص ابزارهای مشتقه را برجسته کرد (Birt.et.al. 2013). در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ دنیا بزرگترین بحران مالی بعد از سال ۱۹۲۹ را تجربه کرد که طی سال‌های بعد به عمیق‌ترین و طولانی‌ترین دوره رکود اقتصادی در تاریخ مدرن تبدیل شد. گرچه توضیحات بسیاری برای علل بحران فوق مطرح شد، اما توافق عمومی بر این بود که مشتقات مالی نقش بسزایی در در ایجاد شرایط وقوع بحران و سپس در تسریع نکول در صنعت اوراق بهادار مبتنی بر تسهیلات مسکن داشته‌اند تا جایی که به انهدام سیستم مالی جهان انجامید (krachkovskaya, 2015). افشای ریسک برای کارایی بازارهای مالی و ثبات مالی از اهمیت استراتژیک برخوردار است و نقش اساسی در تقویت انضباط بازار و ایجاد اعتماد به منظور بهبود روابط با ذینفعان دارد (Scannella, Polizzi, 2019).

برای کمک به افشا و شفافیت بهتر، بعضی از کشورها استانداردهای حسابداری برای مشتقات ارائه داده‌اند. هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB)، FAS133, 137, 161 و استرالیا AASB103 را منتشر کردند. به علاوه FRS13 در بریتانیا، CICA3862 در کانادا، IAS32, 39 در پرتغال و MASB ED 24 در مالزی به منظور بهبود استانداردهای گزارشگری شرکت در ابزارهای مشتقه و مصون سازی منتشر شده‌اند (Kota & Charumathi, 2018).

پس از بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، انجمن استانداردهای حسابداری مالی (FASB) و انجمن استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB)، درصدد بودند تا بهبود سودمندی تصمیم‌گیری در مورد گزارش مالی را به عنوان یکی از ابزارهای مالی برای سرمایه‌گذاران به طور چشم‌گیری بهبود ببخشند؛ که در همین راستا و در ادامه به بررسی نکات مهمی که در IAS39, IFRS9 IFRS7 منتشر شده پرداخت خواهد شد.

وجود زبان مشترک در گزارشگری مالی از الزامات ورود به جامعه جهانی است. در دنیای امروز چنانچه سرمایه‌گذار خارجی بخواهد اقدام به سرمایه‌گذاری در کشوری دیگر نماید، در ابتدا نسبت به بررسی وضعیت شرکت‌های کشور مقصد سرمایه‌گذاری اقدام نموده که در این صورت بررسی صورت‌های مالی و وضعیت سودآوری و ارزیابی عملکرد آن در الویت خواهد بود. حتی برخی از شرکت‌ها برای اخذ اعتبار خارجی مجبور به عقد قرارداد با مشاوران مالی و حسابرسان خارجی برای تهیه صورت‌های مالی خود بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری شده‌اند که علاوه بر تحمل هزینه، زمان زیادی را که می‌توانست صرف اجرای پروژه‌ها شود را از دست داده‌اند (رحمانی، ۱۳۹۵). پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی کشورهای مختلف، سبب می‌شود اندیشمندان و حسابداران خبره از سراسر جهان با مطالعه و تمرکز بر این استانداردها، نقاط قوت و ضعف آنها را شناسایی کرده و از طریق رفع اشکالات آن، مجموعه جامعی از استانداردها به دست آید که با اجرای آن و به دلیل کاهش ریسک و نابرابری اطلاعاتی، کیفیت

گزارشگری مالی به میزان زیادی ارتقا یابد (فروغی و اشرفی، ۱۳۸۹). استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی از طریق کاهش هزینه های تطبیق، هزینه دسترسی به اطلاعات بازارهای سرمایه مختلف را کاهش می دهد. حسابداران با فراگیری مجموعه واحدی از استانداردها، قادر به تهیه و تحلیل صورت های مالی سراسر شرکت های جهان خواهند بود. سرمایه گذاران نیز با درک این استانداردها قادر خواهند بود اطلاعات را به درستی تفسیر و از این رو تصمیمات بهتری را بر اساس این اطلاعات، اتخاذ نمایند (مهام و همکاران ۱۳۹۱) و با استفاده از این استانداردها نیاز حیاتی بازار، محققان و سرمایه گذاران، برطرف می شود (Gassen, Cascino, ۲۰۱۲).

بدین ترتیب یکی از الزامات ورود به جامعه جهانی در بحث گزارشات مالی، وجود یک زبان مشترک است. استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به عنوان رکن اساسی گزارشگری مالی در پدیده جهانی اقتصاد و ایفا کننده وظیفه زبان مشترک گزارشگری مالی خود را مطرح نموده و به عنوان یکی از مطالبات اساسی استفاده کنندگان گزارشات مالی در بازارهای سرمایه تلقی شده است. در شرایط فوق، اقتصاد جهانی به استانداردهایی نیاز دارد که در سطح بین المللی پذیرفته شده باشند، چرا که جهانی شدن روش های تامین سرمایه، سرآغاز حرکت به سمت جهانی شدن استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی است، زیرا وجود تفاوت و تعارض در استانداردهای بین المللی در کشورهای مختلف، معاملات را در بازارهای سرمایه با دشواری های جدی رو به رو می نماید. رشد تجارت بین المللی و جریان های سرمایه و پیوستگی های اقتصادی فزاینده طی دهه گذشته، منجر به تمایل به هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری در میان کشورها شده است (توکل نیا و اسدی ۱۳۹۳). مهام و همکاران در سال ۱۳۹۱ با انجام پژوهشی به دنبال بررسی مزایا و معایب پذیرش استانداردهای بین المللی به عنوان استانداردهای ایران بودند. جامعه آماری تحقیق، حسابداران رسمی شاغل در موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و اعضای هیئت علمی دانشگاه های شهر تهران با درجه دکتری حسابداری بوده است. نشان آزمون خي دو نشان داده است مزایای به کارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی به عنوان استانداردهای حسابداری ایران بیشتر از معایب این استاندارد ارزیابی شده است.

ابزارهای مشتقه در ایران:

استفاده از ابزارهای مالی مشتقه در ایران به سال ۱۳۸۹ و راه اندازی معاملات قرارداد آتی به عنوان ابزار مالی جدید در بازار سرمایه، بر می گردد. طبق آمار و اطلاعات موجود در وب سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران، بازار قرارداد آتی سهام در مرداد ماه سال ۱۳۸۹ و با معرف قرارداد آتی بانک کارآفرین و بانک پارسیان فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد. پس از آن در اسفند ماه ۱۳۹۰، دستورالعمل معاملات قرارداد اختیار معامله سهام در بورس اوراق بهادار، به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس رسید. در راستای توسعه تدریجی این ابزار، در مرداد ماه سال ۱۳۹۱، سازمان بورس در ابعاد محدودتر، دستورالعملی را جهت عرضه اختیار فروش تبعی برای سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تصویب رساند (دستورالعمل های سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱).

به موجب مصوبات سازمان حسابرسی مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۷ و سازمان بورس و اوراق بهادار ایران مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ و ۱۳۹۵/۰۸/۱۸، برخی نهادهای مالی و ناشران بزرگ بورسی و فرابورسی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ و بعد از آن شروع می شود، ملزم به تهیه و ارائه یک مجموعه صورت های مالی سالانه حسابرسی شده بر اساس مجموعه IFRS هستند. با پذیرش مجموعه IFRS به عنوان مبنای گزارشگری مالی در ایران، چگونگی شناسایی و اندازه گیری ابزارهای

مالی و افشای اطلاعات مرتبط، موضوع جدید و با اهمیتی است که جامعه حسابداری و حسابرسی ایران با آن درگیر است (دستورالعمل‌های سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۲ و مصوبات سازمان حسابرسی ۱۳۹۰).

ابزارهای مشتقه از جنبه‌های مدل عملیاتی، حسابداری و مالیاتی نیاز به بررسی و توجه دارد. از طرفی با توجه به پیچیدگی فعالیت‌های مدیریت ریسک، توسعه یک رویکرد حسابداری برای انعکاس محتوای اقتصادی چنین فعالیت‌هایی که به لحاظ عملیاتی امکان پذیر باشد و اطلاعات مفید برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند، چالش برانگیز است (علی رحمانی، شهناز مشایخ، ۱۴۰۰).

در ایران نیز با توجه به روند رو به رشد استفاده از ابزارهای مشتقه و توسعه بازار این اوراق، پیچیدگی‌های موجود در مباحث حسابداری این اوراق و زیر ساخت‌های لازم در ارتباط با اندازه‌گیری و گزارشگری آنها، شرکت‌های فعال در این حوزه را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت (علی رحمانی، شهناز مشایخ، ۱۴۰۰).

IFRS7- ابزارهای مالی: افشا

در اواسط سال ۲۰۰۵، IFRS7 منتشر شد و همه شرایط افشا ابزارهای مالی را بیان کرد. این استاندارد روش‌های پیچیده‌ای را الزام کرد تا واحدهای گزارشگر اقدام به کاربرد اندازه‌گیری و مدیریت ریسک‌های حاصل از ابزارهای مالی نمایند. به صورت همزمان مفاهیم و روش‌های جدید مدیریت ریسک جدید پذیرفته شده است. هدف این استاندارد، الزام واحدهای تجاری به ارائه اطلاعاتی در صورت‌های مالی است تا استفاده کنندگان بتوانند موارد زیر را ارزیابی کنند:

الف: اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری،

ب: ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی واحد تجاری طی دوره و پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار دارد و نحوه مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری (Part1, IFRS7).

IFRS7 الزامات افشا ابزارهای مالی را تحت دو گروه گسترده تنظیم می‌کند:

افشاهای کیفی و افشاهای کمی.

افشاهای کمی اطلاعاتی را درباره اثر ابزارهای مالی بر وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری نشان می‌دهد. درحالی‌که، افشاهای کیفی اطلاعات مفیدی در این مورد فراهم می‌کند که چطور ریسک‌های مرتبط با ابزارهای مالی در واحد تجاری ایجاد و مدیریت می‌شوند (IASB, 2005).

IFRS7 به دنبال ارائه اطلاعاتی در مورد اهمیت ابزارهای مالی واحد تجاری است، به طور خاص چطور ابزارها بر وضعیت مالی، عملکرد و جریان‌های نقدی اثر می‌گذارند. هدف این استاندارد همچنین، بازتاب ریسک‌های مرتبط با آن ابزارهای مالیو چگونگی مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری است (Ernest & Young, 2017). این استاندارد شرکت‌ها را ملزم می‌کند که ابزارهای مالی را براساس ماهیت اطلاعات افشا شده در طبقات مناسب، دسته‌بندی کنند. اگرچه شرکت‌ها سطح تجمع لازم را تعیین می‌کنند، این استاندارد مقرر می‌دارد که شرکت‌ها نباید اطلاعات با ویژگی‌های اندازه‌گیری متفاوت را با هم ترکیب کنند. همچنین شرکت‌ها ملزم به افشا رویه‌های حسابداری هستند به طوریکه استفاده کنندگان بتوانند صورت‌های مالی را درک کنند (Birt, et., 2013).

این استاندارد شرکت‌ها را ملزم می‌کند که نوع مصون سازی مورد استفاده، توصیفی از مشتقات تخصیص یافته به عنوان ابزارهای مصون سازی و ماهیت، زمانبندی و میزان ریسک‌های مصون شده را افشا نمایند. همچنین شرکت‌ها را ملزم می‌کند ریسک‌های مالی که در معرض آن قرار دارد، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار را افشا

کند. شرکت ها باید چگونگی ایجاد و اندازه گیری هر ریسک، اهداف مدیریت این ریسک ها، خط مشی ها و فرآیندهای مدیریت ریسک و وجود تغییرات نسبت به دوره قبل را توضیح دهند (IASB, 2005).

IFRS7 بعضی افشاهای خاص کمی فراتر و بیشتر از خلاصه الزامات را الزامی کرده است که شامل اطلاعاتی در مورد حداکثر معرض ریسک اعتباری، با یا بدون اثر وثیقه، یک تجزیه و تحلیل سررسید بدهی های مالی مشتقه، با سررسیدهای قراردادی در موارد مربوط، توصیفی از چگونگی مدیریت ریسک نقدینگی و افشای ریسک های بازار (IASB, 2005).

جینز و همکاران در سال ۲۰۲۰ ارتباط ارزشی افشاهای ریسک مالی الزامی توسط IFRS7 را در بخش بانکی مورد بررسی قرار دادند. نتایج رابطه مثبتی میان ارزش بانک و گروه های مختلف افشاهای ریسک را نشان داد.

تهات و همکاران در سال ۲۰۱۶ اثر IFRS7 را بر اهمیت افشا ابزارهای مالی مورد بررسی قرار داده و نشان دادند شرکت ها پس از اجرای IFRS7 اطلاعات بیشتری در ارتباط با ابزارهای مالی ارائه می کنند و در بخش بانکی سطح افشا بالاتر است. به علاوه تجزیه و تحلیل افشاها قبل و بعد از اجرای IFRS7 ابعاد خاصی از سودمندی مثل قابلیت مقایسه بیشتر اطلاعات را نشان داد. آنها نشان دادند اطلاعات پس از به کارگیری IFRS7 ارتباط قوی تری با ارزش های بازار دارند و پذیرش الزامات افشای اجبار این استاندارد، صورت های مالی مربوط تری تولید می کند (Tahat, Dunne, ۲۰۱۶).

IAS39- ابزارهای مالی شناسایی و اندازه گیری

هدف این استاندارد ایجاد اصولی برای شناسایی و اندازه گیری دارایی های مالی و برخی قراردادها برای خرید و فروش اقلام غیر مالی است. در این استاندارد ۴ دسته ابزارهای مالی تعریف شده اند:

- ۱) دارایی مالی اندازه گیری شده به ارزش منصفانه در سود و زیان
دارایی یا بدهی مالی ای است که یا به عنوان نگهداری شده برای معامله طبقه بندی شده باشد و یا در شناسایی اولیه توسط واحد تجاری به ارزش منصفانه در سود و زیان تعیین می شود. طبق این استاندارد دارایی نگهداری شده برای معامله دارایی است که یا برای فروش یا بازخرید در کوتاه مدت تحصیل شده باشد، یا در شناسایی اولیه بخشی از مجموعه ای از ابزارهای مالی شناسایی شده باشد که با هم مدیریت می شوند و در کوتاه مدت سود می دهند و یا یک مشتقه است به جز مشتقه یک قرارداد تضمین مالی یا ابزار مصون سازی (IAS, 39).

- ۲) سرمایه گذاری نگهداری شده تا سررسید

دارایی مالی غیر مشتقه با پرداخت های ثابت یا قابل تعیین و با سررسید ثابت هستند و واحد تجاری قصد و توانایی آن را دارد که تا سررسید نگه دارد (به جز مواردی مورد قبلی و همچنین دارایی های نگهداری شده برای فروش و یا مواردی که با تعاریف وام و مطالبات مطابقت دارد).

- ۳) وام ها و مطالبات

دارایی مالی غیر مشتقه با پرداخت های ثابت یا قابل تعیین و با سررسید ثابت یا قابل تعیین هستند که ر بازار فعال عرضه نمی شوند.

۴) دارایی‌های مالی نگهداری شده برای فروش

آن دسته از دارایی‌های مالی غیر مشتقه ای هستند که به عنوان آماده برای فروش تعیین می‌شوند، به عنوان وام‌ها و مطالبات، سرمایه گذاری‌های نگهداری شده تا سررسید و دارایی مالی آماده برای فروش به ارزش منصفانه در سود و زیان طبقه بندی نمی‌شوند.

طبق IAS39 یک دارایی مالی و بدهی مالی در شناسایی اولیه به ارزش منصفانه به اضافه هزینه‌های معاملاتی که مستقیماً قابل انتصاب به تحصیل هستند اندازه گیری می‌شوند. حتی زمانی که واحد تجاری از روش حسابداری به تاریخ تسویه استفاده می‌کند، دارایی در ابتدا به ارزش منصفانه در تاریخ معامله اندازه گیری می‌شود (IAS,39).

برای اندازه گیری پس از شناسایی اولیه دارایی‌های مالی به ۲ دسته تقسیم می‌شوند، دارایی‌های مالی به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان و دارایی‌های مالی قابل فروش که به ارزش منصفانه به اضافه هزینه‌های مبادله یا تصفیه شناسایی می‌شوند و مشمول بررسی کاهش ارزش نیستند. دسته دیگر دارایی‌های نگهداری شده تا سررسید و مطالبات و وام‌ها هستند که به بهای تمام شده مستهلک شده با استفاده از روش نرخ بهره موثر شناسایی شده و مشمول بررسی کاهش ارزش هستند (IAS,39).

شرایط نادری وجود دارد که بتوان دارایی شناسایی شده به ارزش منصفانه را طبقه بندی مجدد کرد، اما در صورت تحقق شرایط طبقه بندی مجدد، هرگونه سود و زیانی که قبلاً در صورت سود و زیان شناسایی شده، قابل برگشت نیست؛ و ارزش منصفانه در تاریخ تجدید طبقه بندی، بهای تمام شده جدید است (IAS,39).

واحد تجاری باید در پایان هر دوره گزارشگری بررسی کند که آیا شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش برای یک دارایی مالی یا گروهی از دارایی‌ها وجود دارد یا خیر؟ و شرایط شناسایی کاهش ارزش به این ترتیب شرح داده شده‌اند که هم شواهد عینی ناشی از یک یا چند رویداد که پس از شناسایی اولیه رخ داده وجود داشته باشد و هم رویدادی که روی جریان‌های نقدی برآوردی آتی تأثیر دارد را به صورت قابل اتکایی می‌توان برآورد کرد؛ و زیان‌های مورد انتظار در نتیجه رویدادهای آینده هرچقدر هم که محتمل باشند، شناسایی نمی‌شوند (IAS,39).

IFRS9- ابزارهای مالی شناسایی و اندازه گیری

بر اساس این استاندارد هدف اصلی IFRS، حفاظت از سرمایه‌گذاران با دستیابی به یکپارچگی و شفافیت در اصول حسابداری است. یکی از مهمترین جنبه‌های چالش برانگیز مقررات IFRS، رفتار حسابداری مشتقات و ارتباط آن با مدیریت ریسک است. این استاندارد الزامات اصول محوری را برای طبقه بندی ابزارهای مالی معرفی می‌کند (IASB, 2014).

تمام دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی باید در زمان شناخت اولیه به ارزش منصفانه به علاوه یا منهای مخارج معامله مستقیماً قابل انتساب به تحصیل ابزار مالی است، اندازه گیری شوند. این استاندارد ۲ دسته اندازه گیری ارائه می‌کند: بهای مستهلک شده و ارزش منصفانه. طبق این استاندارد برای طبقه بندی دارایی‌های مالی مدیریت باید دو مورد را ارزیابی کند:

۱. مدل کسب و کار واحد تجاری برای مدیریت دارایی‌های مالی.

۲. ویژگی‌های جریان‌های نقدی قراردادی دارایی مالی.

با توجه به دو مورد ذکر شده دارایی های مالی به ۳ روش شناسایی می شوند، روش بهای مستهلک شده که در این روش ابزار مالی به منظور وصول جریان های نقد نگهداری شده و همچنین جریان های نقدی صرفا شامل بازپرداخت اصل و بهره است. روش بعدی روش ارزش منصفانه از طریق اقلام سود و زیان جامع است که در این روش ابزار مالی به منظور وصول جریان های نقد و فروش دارایی مالی تحصیل شده و همچنین جریان های نقدی صرفا شامل بازپرداخت اصل و بهره است. روش سوم روش ارزش منصفانه از طریق سود و زیان است که در این روش اگر دارایی مالی آزمون مدل کسب و کار و شرط جریان های نقدی صرفا ناشی از اصل و بهره را احراز نکند به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان اندازه گیری می شود که مشتقات در این طبقه هستند (IASB, 2014).

طبق این استاندارد بدهی های مالی دسته اند، بهای مستهلک شده و دیگری ارزش منصفانه از طریق سود و زیان. بدهی های شناسایی شده به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان دو دسته اند: بدهی های مالی نگهداری شده برای مبادله که شامل ابزارهای مشتقه هستند و دسته دیگر بدهی های مالی ای که در شناسایی اولیه به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان شناسایی شده اند. طبق این استاندارد تجدید طبقه بندی بدهی های مالی مجاز نیست. بعد از آنکه طبقه بندی اولیه انجام گردید، تجدید طبقه بندی صرفا زمانی مجاز است که واحد تجاری مدل کسب و کار مدیریت دارایی مالی خود را تغییر دهد. انتظار بر این است که تغییرات در مدل کسب و کار نادر و غیر ممکن باشد، تغییرات در مدل کسب و کار که توسط مدیران ارشد تعیین می شود، در نتیجه تغییرات درون سازمانی یا برون سازمانی رخ می دهد که نسبت به عملیات واحد تجاری قابل ملاحظه بوده و برای اشخاص ثالث به وضوح قابل اثبات است. تجدید طبقه بندی باید از تاریخ تجدید طبقه بندی با رویکرد تسری به آینده اعمال شود. واحد تجاری نباید هیچ یک از سودها و زیان ها یا بهره شناسایی شده قبلی را ارائه مجدد نماید (IASB, 2014).

IFRS9 مدل جدید و آینده نگر زیان مورد انتظار را برای کاهش ارزش معرفی و جایگزین مدل زیان تحقق یافته استاندارد IAS39 نموده است؛ و از آنجایی که مشتقات طبق الزامات طبقه بندی و اندازه گیری در طبقه ارزش منصفانه از طریق سود و زیان قرار می گیرند، مباحث کاهش ارزش در شمول حسابداری ابزارهای مشتقه قرار نمی گیرند (IASB, 2014).

چالش های پیاده سازی استانداردهای ابزارهای مشتقه در ایران

یکی از مهمترین چالش های شناسایی و طبقه بندی اوراق مشتقه فعال در بازار سرمایه ایران مربوط به اوراق اختیار معامله تبعی است از آنجا که این اوراق در ایران و متناسب با نیازها و شرایط اقتصادی بازار سرمایه و با در نظر گرفتن مسایل شرعی طراحی گردیده است، لذا شناسایی این اوراق در چارچوب استانداردهای بین المللی پیچیده به نظر می رسد. از دیگر چالش ها در حوزه شناخت، تطبیق ویژگی های اوراق متنوع موجود با الزامات استاندارد است. از یک طرف الزامات استاندارد بسیار کلی است و از طرف دیگر در ایران اوراقی وجود دارد که ممکن است در ظاهر به عنوان مشتقه شناخته نشوند ولی بررسی دقیق ویژگی های آنها می تواند نشان دهنده مشتقه بودن آنها باشد. بررسی و ارزیابی و بعضا تغییر برخی از ویژگی های ابزارهای مالی توسط کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس هم می تواند تغییرات و پیچیدگی هایی را در بحث گزارشگری این اوراق ایجاد کند. تاثیر کمیته فقهی سازمان بورس بر روی ویژگی های اوراق می تواند در زمینه اسلامی سازی اوراق و تغییر مسیر گزارشگری اوراق و یا لحاظ نمودن اثرات تغییرات روی گزارشگری و حسابداری اوراق باشد (علی رحمانی، شهناز مشایخ، ۱۴۰۰).

پیچیدگی ایجاد شده در نتیجه تغییر اساسی در حسابداری مصون سازی، پیچیدگی شناسایی مشتقات تعبیه شده، پیچیدگی الزامات جدید برای حسابداری ارزش زمانی اختیار معاملات و پیچیدگی ابزارهای مالی مشتقه که بر اساس این سیستم ها هستند (ارنست و یانگ ۲۰۱۶، نگوین ۲۰۱۵).

چالش تشخیص اوراق مشتقه

- ✓ تشخیص اوراق مشتقه موجود بر اساس شرایط استاندارد
- ✓ تشخیص ابزار مالی بودن یا نبودن مشتقه
- ✓ تشخیص مشتقه بودن یا نبودن اوراق موجود
- ✓ پیچیدگی های مرتبط با تشخیص و جداسازی اوراق مشتقه تعبیه شده
- ✓ عدم تشخیص ابزار مشتقه و عدم گزارشگری و حسابداری مناسب
- ✓ تشخیص مصون سازی بودن یا نبودن اوراق مشتقه (علی رحمانی، شهناز مشایخ، ۱۴۰۰).

پیچیدگی و دشواری حسابداری ابزارهای مشتقه

- ✓ پیچیدگی درک و اجرای الزامات استاندارد
- لزوم بکارگیری قضاوت حرفه ای گسترده،
- پیچیدگی طبقه بندی،
- پیچیدگی تفکیک اوراق مشتقه تعبیه شده،
- دشواری ارزیابی اثربخشی در حسابداری مصون سازی،
- ✓ دشواری طبقه بندی و مشتقات اوراق اختیار معامله تبعی (علی رحمانی، شهناز مشایخ، ۱۴۰۰).

چالش های مرتبط با اندازه گیری ابزارهای مشتقه به ارزش منصفانه

- ✓ بازار اوراق مشتقه در احراز ویژگی های بازار فعالی طبق IFRS13 ناتوان است،
- ✓ عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه ایران حتی بیش از عوامل اقتصادی، منجر به غیرقابل پیش بینی بودن و عدم ثبات و رفتار غیر منطقی بازار سرمایه می گردد،
- ✓ مشکلات نظام ارزشیابی هم از جمله چالش ها در بخش اندازه گیری ارزش منصفانه هم برای ابزارهای مالی و هم برای سایر دارایی ها به شمار می آید (رحمانی، 1395).

چالش های مرتبط با ریسک

- ✓ شرکت ها واحد مدیریت ریسک ندارند،
- ✓ رویه ها و فرآیندهایی جهت مدیریت ریسک وجود ندارد،
- ✓ بدلیل شرایط بی ثبات و بد اقتصادی امکان انجام تحلیل حساسیت و اندازه گیری ریسک وجود ندارد،
- ✓ اهمیت ریسک هنوز به درستی درک نشده،
- ✓ تحلیل های ریسک به شدت قضاوتی هستند (رحمانی، 1395).

نتیجه‌گیری

ادبیات مالی و حسابداری مربوط به ابزار مشتقه طی دو دهه اخیر رشد بسیاری داشته‌اند. با این حال هنوز فرصت‌های بسیاری برای محققان وجود دارد که به ادبیات موجود کمک می‌کنند. ابزارهای مشتقه به عنوان یکی از ابزارهای نوین مدیریت ریسک با وجود جدید بودنشان مورد اقبال نیز واقع شده‌اند.

شرایط خاص اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور و برنامه ریزی جهت توسعه و دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا، جذب سرمایه‌گذار خارجی را به امری اجتناب‌ناپذیر برای توسعه مبذول نموده است. امروزه اهمیت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و اجرا و پیاده‌سازی آن بر هیچ کشوری پوشیده نمی‌باشد.

رفتن به سمت اجرایی نمودن جدی و گریزناپذیر است. تجربه جهانی شدن، نشان می‌دهد فرصت‌ها مهم هستند و چالش‌ها کم اهمیت و برطرف شدنی. خوشبختانه در ایران دولت و سازمان‌های ضابطه‌گذار و ناظر این مهم را پذیرفته‌اند. بدیهی است اجرای این استانداردها نیازمند همفکری و همکاری متقابل سازمان‌های مختلف علی‌الخصوص سازمان امور مالیاتی کشور جهت رفع تعارضات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با قوانین مالیاتی جاری شود و نیاز به برنامه ریزی و اقدام موثر جهت رفع مسائل و چالش‌های آن، ترجمه تخصصی استانداردها و تدوین متون آموزشی و رهنمودها، توجه خاص و ویژه به آموزش کارکنان شرکت‌ها خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. توکل نیا، اسماعیل، اسدی، زینب. (۱۳۹۳). استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تجربه‌های بین‌المللی، مجله بورس اردیبهشت، ۱۱۱، ۸-۱۲.
۲. رحمانی، علی. (۱۳۹۵). بازار سرمایه، ضرورت اصلاح و بهبود فضای کسب و کار، فصلنامه پول و اقتصاد، ۱، ۱۴۵-۱۷۵.
۳. رحمانی، علی، مشایخ، شهناز. (۱۴۰۰). شناسایی چالشهای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا، فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۵۵ پاییز ۱۴۰۰ سال چهاردهم.
۴. فروغی، داریوش، اشرفی، مجید. (۱۳۸۹). استانداردهای جهانی حسابداری چالش‌ها و فرصت‌ها. حسابدار رسمی، ۹۷-۱۰۳.
۵. مهم، کیهان، فرزانه، حیدرپور، علیرضا، آقایی، قهی. (۱۳۹۱). بررسی مزایا و معایب پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به عنوان استانداردهای حسابداری ایران، مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱(۳)، ۸۷-۱۰۵.
۶. Bean, Anne, Irvine Helen, (2015). Derivatives disclosure in corporate annual reports: bank analysts' perceptions of usefulness, Accounting and Business Research.
۷. Birt Jacqueline, Rankin Michaela, Chen L. Song, (2013). Derivatives use and financial instrument disclosure in the extractives industry. Accounting and Finance (53) 55-83.
۸. Campbell John L., Landon M. Mauler, Spencer R. Pierce, (2019). A review of derivatives research in accounting and suggestions for future work, Journal of Accounting Literature (42) 44-60.
۹. Chace D. M. (2004);an Introduction To Derivative And Risk Management (6th Edn, USA: South- Western
۱۰. Chalmers, K.G. and Godfrey, J.M. (2000). Practice versus prescription in the disclosure and recognition of derivatives. Australian Accounting Review, 10 (21), 40-50.
۱۱. Ernst & Young, (2008). Observations on the Implementation of IFRS 7 in Corporate Entities. London: EYGM Limited.

۱۲. IASB (2014). Basis for Conclusions on IFRS 9 Financial Instruments. IFRS Foundation Publications Department. www.ifrs.org
۱۳. Judge, A. (2006). Why do firms hedge? A review of the evidence. In J. McCombie, & C. R. Rodriguez (Eds.). *Issues in Financial and Monetary Policy* (pp. 128–152). London, England: Palgrave Macmillan UK.
- Kilic, E., Lobo, G. J., Ranasinghe, T., & Sivaramakrishnan, K. (2013). The impact of SFAS 133 on income smoothing by banks through loan loss provisions. *The Accounting Review*, 88(1), 233–260.
۱۴. Kambhu, J., Keane, F., & Benadon, C. (1996). Price risk intermediation in the overthecounter derivatives markets: interpretation of a global survey. *Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review*, 2(1), 1-15.
۱۵. Kota, Hima Bindu and B., Charumathi, Determinants of Financial Derivative Disclosures in an Emerging Economy: A Stewardship Theory Perspective, *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 12(3), 2018.
۱۶. Minehan, C. E., & Simons, K. (۲۰۰۵). Managing risk in the 90's: what should you be asking about derivatives? *New England Economic Review*, (Sep), 3-25.
17. Papa, V. and Peters, S., (2013). *User Perspective on Financial Instruments Risk Disclosures under IFRS Derivatives and Hedging Activities Disclosures*. London: CFA Institute.
18. Scannella Enzo, Polizzi Salvatore, (2019). Do Large European Banks Differ in their Derivative Disclosure Practices? A Cross-Country Empirical Study. *The Journal of Corporate Accounting & Finance*.
19. Schipper, K. (2003). Principles-Based Accounting Standards. *Accounting Horizons*, 17(1), 61–72.
- Schipper, K., & Vincent, L. (2003). Earnings Quality. *Accounting Horizons*, 17, 97–110 Supplement.
20. Stewart, J. E. (1989). The challenges of hedge accounting. *Journal of Accountancy*, 168(5), 48–56.
۲۱. Tahat, Y. A., Dunne, T., Fifield, S., & Power, D. (2016). The impact of IFRS 7 on the significance of financial instruments disclosure. *Accounting Research Journal*, 29(3), 241–273.

An overview of the international accounting standards of derivative instruments and the challenges of its implementation

Roya Ebadi Negherloo¹

Date of Receipt: 2022/05/07 Date of Issue: 2022/09/12

Abstract

Over the past few decades, the use of financial derivatives has increased, resulting in the accounting for these derivative instruments having evolved greatly. Derivatives play an important role in the capital markets, and managers use them to reduce the outcomes of adverse risks that their companies face. To help with better disclosure and transparency, some countries have introduced accounting standards for derivatives. Accounting for financial instruments has also attracted a lot of attention from the IFRS foundation. In mid-2005, the board published IFRS 7, which spelled out all the disclosure requirements for financial instruments. Also, in response to the 2008 crisis, the IASB published the IAS39 standard. And finally, in 2014, the final version of IFRS9 was published. This evolution of accounting standards regarding derivative instruments shows its importance regarding the identification and measurement of derivative instruments.

Therefore, in this study, with regard to the most important implementation of derivative instruments in Iran, after reviewing the definitions of derivative instruments according to IFRS7, IFRS9 and IAS39, the upcoming challenges have been examined with regard to the reporting environment of Iran.

Keywords

Derivative instrument, IFRS9, IFRS7, IAS39, implementation

1. Doctoral student of accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (Roya.ebady@gmail.com)